

در نظام اسلامی یکایک شماها باید ببینید، ببندیشید، فکر کنید، بشناسید، تشخیص بدهید و عمل کنید؛ احساس تکلیف بکنید و مراقب باشید که در محاسبات فکری شما، دشمن تأثیر نگذارد.

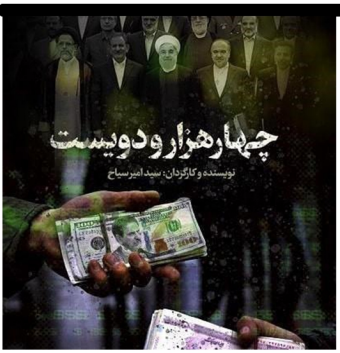
مقام معظم رهبری



اکران مستند ۴۲۰۰ با موضوع بررسی بحران ارزی کشور، به زودی در دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

برای کسب اطلاعات بیشتر به آیدی زیر در تلگرام مراجعه فرمایید.

@BASIJ_LP



تربون رسمی بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران / سال سیزدهم، شماره ۳ / هفته دوم آبان ماه ۹۸ / مدیر مسئول: مجتبی اسدی / سردبیر: محمد مهدی محمودی

عراق و تاوان یک انتقام!

فارغ از آنچه این روزها از وضعیت سیاسی عراق روایت می شود و دولت و بدنه اجرایی حاکمیت را فاسد و ناکار آمد جلوه می دهد، باید آن روی دیگر سکه را هم دید تا بتوان فهمید چه چیز باعث شده دست های خارجی و حزب بعث روی مطالبات قانونی و به حق مردم سوار شوند و حتی با استفاده از احساسات و شور مردم شعار های ضد ایرانی سر دهند.

عادل عبدالمهدی، نخست وزیر کنونی عراق از اکتبر ۲۰۱۸ به این سمت منصوب شد. اگرچه دولت او وارث تمام کوتاهی های دولت های پیشین بود اما در این مدت تغییرات مهمی در سیاست داخلی و خارجی به وجود آورد.

اول اینکه چون او متعلق به هیچ حزب و جناحی در عراق نیست منافع حزب ها برایش اهمیتی نداشت و سعی کرد با تغییر بدنه مدیریتی کشور افراد سالم را جایگزین افراد فاسد کند و جریانات فساد اقتصادی را از دولت دور کند. همین هم باعث شد تا احزابی که همیشه سهم خود را از دولت طلب می کردند سنگ در کارش بیاندازند.

دوم اینکه دولت عادل عبدالمهدی به طور مطلق تابع آمریکایی ها نیست. آمریکا با ادعای سرنگونی صدام همیشه تلاش می کرده تا دولت های عراق را هدایت و راهبری کند. گرچه دولت های قبل هم کامل از آمریکا تبعیت نداشتند اما از سیاست هایش در قبال عراق هم سرپیچی نمی کردند.

از اقدامات او که در تضاد با منافع آمریکایی ها بوده می توان به قانونی کردن حشد الشعبی؛ باز کردن مرز بوکمال با سوریه؛ خرید گاز و برق از ایران و پرداخت بهای آن (دور زدن تحریم ها) و متنوع کردن سیستم دفاعی کشورش با خرید ۵۴۰۰ اشاره کرد.

همچنین در حوزه برق که آمریکا تامین کننده آن بود با بستن قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری با چین از آمریکا رفع وابستگی کرد.

وقلمی برق را در عراق از ۲۰ ساعت در روز به ۴ ساعت کاهش داد.

در حوزه سیاست خارجی هم نگاه به شرق و به خصوص ایران دارد.

او تنها نخست وزیری بود که بر خلاف ادعای دیگر نخست وزیران اختلاف دیرینه بین ایران و عراق را با امضای قرارداد ۱۹۷۵ حل کرد.

و ساخت خط راه آهن بین دو کشور از طریق بصره را اجرایی کرد.

در کل می توان گفت نزدیکی دولت عادل عبدالمهدی به ایران و حرکت او بر خلاف منافع آمریکا باعث شد تا حزب بعث و ایالات متحده از پتانسیل اعتراضات مردمی به وجود آمده سوء استفاده کنند.

و با قرار گرفتن عراق در این وضعیت مشترکا از دولت و ملت عراق انتقام بگیرند.

مجتبی اسدی

رهبرانقلاب هفته گذشته ی در دیدار به مناسبت ۱۳آبان بخشی از بیاناتشان را به یادآوری مسئله «رونق تولید» اختصاص دادند.

بانگاهی به سخنان ایشان نکاتی را در این باب ذکر می کنیم:

۱-کشور مشکلات بسیاری بویژه در زمینه اقتصاد و معیشت دارد که کلید حل آنها همین رونق تولید است. رونقی که ایجاد آن چندان هم کار شاق و ناممکنی نیست. باچندگام می توان نقدینگی بزرگ موجود در کشور را به سوی تولید هدایت کرد و به رونق رسید و همچنین بعضی دیگر از معضلات کشور را حل کرد. فی المثل با تصویب قوانین مالیاتی جدید و مالیات بستن بر بازار مسکن و بویژه خانه های خالی، هم وضع بحران مسکن بهبود می یابد و هم خواباندن و حبس سرمایه کلان در این بازار، سودمند نخواهد بود.همین شیوه، یعنی مالیات بستن بر بازار های سکه و ارز و طلا و سایر بازار های نامولد، می تواند باعث کم سود شدن آنها و ترجیح یافتن سرمایه گذاری در بخش تولید شود.مثال دیگری برای راهکار های رونق تولید، اقدام ستاد اجرایی فرمان امام در تامین ۲۰۰۰۰ یخچال برای مردم سیل زده ی لرستان از یک کارخانه ی بومی ورشکسته در همین استان بود که موجب احیا این واحد تولیدی شد. دولت نیز می تواند به جای هدر دادن بیت المال برای تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی به نفع تجار و واردات چی ها، به ۶۰۰ هزار زوجی که در سال اقدام به ازدواج می کنند، اعتباری ۱۰۰ میلیون تومانی برای تهیه کالای ایرانی در قالب وام های کم بهره و با بازپرداخت مثلاً ۱۰ ساله اختصاص دهد. کاری که هم به ازدواج جوانان کمک خواهد کرد و هم موجب رونق صدها واحد تولیدی و ایجاد اشتغال خواهد شد. که همین نیز به افزایش درآمد مالیاتی دولت خواهد انجامید! از این دست راهکار ها که تا کنون توسط متخصصان مطرح شده اند، کم نیستند اما اراده ی برای عملی شدنشان وجود ندارد.

۲-در کشور ظرفیت های عظیمی برای تولید و کاراقتصادی وجود دارد. از جمله جمعیت جوان جویای

شغل که بسیاری از آنان داری تخصص و انگیزه و خلاقیت بالایی هستند و در عرصه هایی چون صنایع دفاعی، هسته ای، فضایی، نانو و هرجایی که به ایشان فرصت داده شده نبوغ و توانایی خود را نشان داده اند. با به کار گیری راهکار های مناسب جهت رونق تولید، می توان از نبوغ و ظرفیت جوانان برای ایجاد جهش در تولید ملی و درآمد کشور و همچنین پیشرفت تکنولوژی استفاده کرد. ظرفیت های فراوان بازارهای مصرف کشور های همسایه نیز از جمله ظرفیت های قابل استفاده در جهت رونق تولید در کشورمان است.

۳-اقدامات اخیر دستگاه هایی چون ستاد اجرایی، بنیاد مستضعفان، سپاه و قوه قضائیه در زمینه کمک به تولید کنندگان و حفظ کارگاه های تولیدی و اثرگذاری آنان در این امر نشان دهنده شدنی بودن رونق تولید است. اما در اکثر نیروهای کشور، اراده ی برای حل مشکلات دیده نمی شود. با اینکه رهبری در دیدار ماه مبارک رمضان امسال با دانشجویان صراحتاً فرمودند: «مسئله اصلی اقتصاد است»، به این معنی که دیگر مسائل، حاشیه ای هستند، اما گویی هیچکس این ضرورت را درک نکرده است. دولت مدام معطل اروپا و مذاکره و FATF و ... است. اصلاح طلبان سرگرم بازی های پیش از انتخابات مجلس و فریب مردم هستند. اصولگرایان به دنبال ائتلاف آبکی، گروهی از فعالان انقلابی مشغول مجادله در باب چندهمسری، و گروهی دیگر در حال یکه به دو کردن با آذری جهرمی اند و جهرمی در پی شوآف و اوضاع بقیه سیاسیون انقلابی و غیرانقلابی نیز به همین منوال است. در چشم این جماعت حجاب، چندهمسری، استایوم رفتن/نرفتن بانوان، پان ترک های معدود، حدادعادل، آذری جهرمی، خانه پدري و غیره و غیره همه مهم تر از رونق تولید هستند! در این شرایط آنچه البته به جایی نرسد، امر ولی فقیه جامعه است. تا هنگامی که لااقل انقلابیون! دغدغه هایشان را با دغدغه ی رهبر جامعه هماهنگ نکنند، مشکلات کشور حل نخواهد شد. گویی مهدی ترابی فوتبالیست، از اغلب سیاسیون و فعالان فرهنگی و سایر مدعیان، ماجرا را بهتر فهمیده است.

تنها راه نجات کشور، بی شک اطاعت از رهبری است...

محمد مهدی محمودی

ادب مرد به از دولت اوست!

افلاطون در ضرورت وجود تربیت در شهرعدالت می گوید»زمانی عقل و استدلال تاثیر درستی خواهند داشت که روح به درستی آماده باشد و امادگی روح در گرو تربیت افراد است»یعنی منطق فرد چه در کسوت یک استاد و چه در کسوت یک سیاستمدار زمانی میتواند برای مخاطب گیرا باشد که از فیلتر اخلاق بگذرد در غیر این صورت مواجهه ی فرد با جامعه اساسا پارادوکسی بیش نیست. سیاستی که از معاون تا نماینده و وزیر و چه بسا رییس دولتش، نتواند به حداقلیات اخلاقی خود پایبند باشد، با چه منطقی توان اداره ی یک جامعه را دارد؟ نماینده ی مجلسی که نمیتواند به چند سوال خبرنگار جواب دهد و خیلی راحت میگوید «به تو چه»، نماینده ی کدام مردم است؟نماینده ای که در برنامه ی رادیویی به مجری توهین می کند چطور؟ کارنامه ی بی اخلاقی در مجلس تدبیر و امید به اندازه ی کافی پر بار و نمایان هست که نیازی به شمردن مصادیقش نباشد.کارنامه ای که در این ماه های آخر با امضای درخشان علی مطهری در دانشگاه شهید بهشتی خوش درخشید!با اینکه عقیم بودن مجلسی که توانسته تا بحال این حجم از نابخردی و بی اخلاقی را تاب بیاورد دور از انتظار نیست و اصلا نیازی به اعتراف ندارد! مسئله ای که نمیتواند قابل هضم باشد سکوت هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان است که گویا در انفعال عملکرد خود با مجلس رقابت تنگاتنگی دارد!اصلی ترین وظیفه ی این هیئت میتواند یادآوری این باشد که علت اصلی حضور افراد در مجلس تنها نظر و خواست مردمی است که اقایان حتی حوصله ی پاسخ به مطالبه و سوالاتشان را هم ندارند و حتی در پاسخ به بسیاری از آن ها ادب و اخلاق را هم نادیده میگیرند،جالب بودن ماجرا از این حیث است که اقایان در توجیه رفتار خود به ناحق بودن انتقادات و مطالبات اشاره میکنند! قطعاً ضرورت خواندن صحیفه امام برای اشنایی با اخلاق سیاسی در انقلاب برای سیاتمداران واجب است.هرچند که این انتظار برای نمایندگانی که حوصله ی خواندن توافق نامه های مهمی مثل برجام را ندارند و نخوانده رای هم میدهند،قدر زیادی دور از ذهن است. در جلد سیزده صحیفه امده:«کسی که می خواهد وارد عرصهٔ سیاست شود و اخلاقی عمل کند، باید صادقانه همهٔ انتقادها را بشنود و آنها را ارزیابی کند و برای اصلاح خود، آنها را به کار بندد و از هیچ یک از مکانیزمهای پیشگفته استفاده نکند و به جای تقسیم انتقاد به حق و ناحق از هر انتقادی استقبال نموده، برای رشد خویش از آن بهره مند شود.»

به هر حال چشم امید مردم به همین صندلی هایی است که بعضی از اقایان جهت استراحت در ساعاتی از روز روی آن میشینند و زمان پاسخگویی به مردم هم از هیچ توهینی دریغ نمیکند.خلاصه آنکه ماه های اخر است و بی وفایی قدرت به زودی سراغشان می آید،آن چیزی که جای نگرانی دارد فراموشی مردم است تا جایی که در انتخابات بخواهند این سیاست ماکیاولیستی ادامه پیدا کند و مجددا چهار سال شاهد سیاستی فارغ از اخلاق در مجلس باشیم!

فرزانه باطنی



مرگ؛سرنوشت محتوم برجام

بود که ناکارایی آن از همان ابتدا روشن بود. طرحی برای تبادل غذا و دارو با شیوه‌ای تقلیل یافته از تهاتر، آنهم با موافقت امریکا به عنوان واضح تحریم‌ها نه کمکی به دور زدن تحریم‌ها خواهد کرد، و نه آن چیزی است که ایران به ازای آن هزینه سنگینی در برجام داده بود. انفعال اروپا در برجام البته از ابتدا هم قابل حدس بود. تفاهم راهبردی بین اروپا و امریکا بر سر اختلافات امنیتی-منطقه‌ای با ایران آنقدر پر رنگ هست که افتراق ناشی از خروج امریکا از برجام نتواند به نفع ایران تمام شود. جنگ تجاری امریکا علیه اروپا هم از طرف دیگر، اروپایی‌ها را وادار ساخته، تا بیش از هر چیز دیگری به انتفاع اقتصادی خود فکر کنند. تجارت گسترده اروپا با امریکا در مقابل ایران، خود از سوی دیگر روشن میساخت که چرا اروپا حاضر به هزینه نمودن برای برجام نخواهد بود. در چنین حالتی، چطور میتوان انتظار داشت که اروپا در مقابل امریکا هزینه دهد؟ بنا براین، امید به اجرای برجام از سوی طرف غربی، قابل تحقق نخواهد بود و پر واضح است ایران باید برای جلوگیری از اتلاف وقت و هزینه بیشتر، دفعتهً از برجام خارج شود. مذاکره مجدد هم باوجود تبلیغات غربی‌ها، به علل روشن چیزی نیست که ایران را به خواسته‌های خود برساند. اول؛ استراتژی موسوم به فشار حداکثری که از سوی امریکا در حال انجام است، در صورت پذیرش مذاکره از سوی ایران، پیروز خواهد شد و روشن است اثبات اینکه ایران در مقابل فشار عقب نشینی خواهد کرد، چه عواقب خطرناکی برای آینده ایران خواهد داشت. دوم؛ پذیرش تعهداتی فراتر از NPT و استثنا سازی ایران، نباید تکرار شود.سوم؛ اعتبار دیپلماتیک ایران در گرو مقاومت ایران، در برابر کشوری است که یک‌بار از توافقی با بالاترین تضمین حقوق بین الملل - یعنی قطعنامه ۲۲۳۱- خارج شده است. اگر ایران تن به مذاکره دهد، در مذاکره‌های خود با دیگر نقاط جهان بی اعتبار خواهد شد. و چهارم؛ فشار اقتصادی که امریکا میتواندست بر ایران اعمال کند، اکنون به غایت خود رسیده. این فشار تا جایی پیش رفت که در سال گذشته، امارات، با صرافیهای طرف قرار داد ایران، برخورد فیزیکی داشت! این، نهایت فشار اقتصادی است که اگر با مقاومت ایران مواجه شد، یکبار برای همیشه استراتژی تحریمی را زمین خواهد زد. و پنجم؛تحریم برای امریکا نه یک تاکتیک که یک استراتژی بلند مدت و غیر قابل حذف بوده است. تصور اینکه مذاکره مجدد با همان شرایط قبلی این بار به نتیجه متفاوت خواهد شد، محاسبه اشتباهی است که مجددا منجر به خسارت به کشور خواهد شد.

حسین مهدی تبار

روز گذشته گام چهارم عقب نشینی ایران از برجام، با شروع مجدد غنی سازی در فردو آغاز شد. همانطور که لاوروف، وزیر خارجه روسیه، در واکنش به این اتفاق گفته، تصمیم ایران به ادامه عقب نشینی از برجام در حائلی رخ داده که «ایران در مقابل پایبندی به برجام هیچ چیز دریافت نکرده است.» هزینه سنگین تعلیق نسبی توسعه برنامه اتمی ایران، با از دست دادن چند صد کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا، تغییر غیرقابل برگشت کاربری راکتور اراک و اسیب جدی بسیاری از سانترفیوژها در هنگام جمع اوری از یک طرف، و تخریب و تعلیق بخش زیادی از راه‌های دور زدن تحریم با اعتماد به احتمال کارایی برجام و برخورد نامناسب با شرکای شرقی به امید ورود شرکت های اروپایی به ایران از سوی دیگر، فقط بخشی از خسارات ایران در مقابل هیچ چیز است. البته تصمیم به عقب نشینی گام به گام، برای آنچه روحانی آن‌را اصلاح برجام نامیده بود، یعنی تلاش برای بازگرداندن امریکا و یا اجبار اروپا به بهره‌مند سازی ایران از انتفاعات برجامی خود اتخاذ شده بود؛ هدفی که از ابتدای امر، شکست آن روشن بود. اما چرا؟ طرف امریکایی که به هیچ‌وجه حاضر به بازگشت به برجام نیست. دولت امریکا، از ابتدای امضای برجام با نقض مکرر پیمان‌های خود نشان داد که حاضر به آزادسازی تجارت ایران نیست. تصویب چندین مورد قطعنامه ضدتجارت در کنگره، تصویب چند تحریم جدید با همکاری دولت اوباما - همچون تجدید تحریم ISA - و همچنین تلاش گسترده مسئولین امریکایی برای ترساندن بانک‌های جهان از مبادله با ایران - که منجر به عدم دسترسی ایران به درامد های نفتی خود شده بود- تنها بخشی از خصومت های پسابرجامی امریکا، پیش از ورود ترامپ به دولت امریکا بود، که البته پس از وی، به ماکزیمم خود رسید. آنچه امریکا در پسابرجام از خود نشان داده، به انضمام توجه به حفظ ساختار تحریم با نگهداری تحریم‌های NDAA و بخشی از تحریم IFCA در متن برجام، خود گویای این حقیقت بود، که طرف امریکایی به هیچ روی حاضر به رفع تحریم ها نیست و تحریم، ابزاری همیشگی برای جلوگیری از قدرت ایران در دستگاه حاکمیتی امریکاست. تنها تلاش اروپا - بعنوان طرف دیگر برجام - برای حفظ برجام، منحصر در ارائه طرح اینستکس